

## آثار تربیتی و روان شناختی انتظار<sup>2</sup>

ز جهات تربیتی و اخلاقی فرد سالم، زمینه ساز جامعه ی سالم است و جامعه ی سالم، عامل تداوم و بقای فرد سالم است و این دو در تعامل با یک دیگرند. بنابراین نوعی التزام منطقی میان سلامت اخلاقی فرد و سلامت اخلاقی جامعه، وجود دارد. گفتنی است که منظور از واژه ی ((سلامت))، مصونیت دین در سطح فرد و جامعه است....

### سلامت اخلاقی جامعه

از جهات تربیتی و اخلاقی فرد سالم، زمینه ساز جامعه ی سالم است و جامعه ی سالم، عامل تداوم و بقای فرد سالم است و این دو در تعامل با یک دیگرند. بنابراین نوعی التزام منطقی میان سلامت اخلاقی فرد و سلامت اخلاقی جامعه، وجود دارد. گفتنی است که منظور از واژه ی ((سلامت))، مصونیت دین در سطح فرد و جامعه است.

مصونیت دین، در پرتو تقوا امکان پذیر است. همان عاملی که عمل به آن، یکی از مهم ترین وظایف شیعیان و پیروان امام عصر(عج) در زمان غیبت است. زیرا آن حضرت، معنای تقوا است و انتظار منطقی آن است که منتظرانش نیز از نوعی سنخیت نسبی با ایشان برخوردار باشند تا در اظهار محبت و ارادت آنان به آن حضرت، نشانه ای از صداقت، مشاهده شود.

از سوی دیگر، در رأس فرمایشات معصومین(علیهم السلام) سفارش به تقوا به چشم می خورد؛ امام صادق(ع) می فرماید:

قسم به خدا، شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید؛ پس ما را نسبت به این امر (دین داری خودتان) به وسیله ی ورع و اجتهاد یاری نمایید.

هم ایشان در سفارش دیگری می افزایند:

بر شماست رعایت کردن ورع، به درستی که ورع، آن دینی است که ما ملتزم به آن هستیم و خدا را به وسیله ی آن بندگی می کنیم و همین را از اهل ولایت و محبت خود انتظار داریم. ما را به خاطر شفاعت کردن به سختی و زحمت نیندازید.

سیری کوتاه در حالات و زندگی نواب خاص آن حضرت بیان گر این واقعیت است که همه ی آن بزرگواران، اهل تقوا و پرهیزکاری بودند و یگانه ی زمان خویش. هم چنین، گذری بر زندگی نامه ی افراد سعادت مندی که در دوران غیبت، به دیدار آن حضرت مشرف شده اند، موید همین معناست که آنان نیز در خصیصه ی تقوا و پاکی نیت، از بهترین های دوران خود بوده اند.

علاوه بر این ها در حدیثی از امام حسن عسکری(ع) آمده است:

هر کدام از فقها (مراجع تقلید) که نگه دارنده ی نفس خود و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس خود و مطیع فرمان پروردگارش باشد، بر عوام است که از وی تقلید کنند.

در این فرمایش حضرت، مشاهده می شود که یکی از شرایط مرجعیت، خویشتن داری و صیانت نفس و به عبارت دیگر، پرهیز از تبعیت هوای نفس یا تقوای الهی است.

بر اساس این مقدمات ورع و تقوا و خویشتن داری در بحث انتظار آن حضرت و ارادت صادقانه به ایشان، نقشی محوری دارد؛ به این معنا که منتظران حقیقی، دارای خصیصه ی تقوا هستند و نیز پدیده ی ((انتظار)) در فرد و جامعه ی منتظر، به گونه ای منطقی، تقوا مآفریند و فرد و جامعه، هر دو را به جانب سلامت اخلاقی، سوق می دهد. چنین نتیجه ای را می توان، به شکل زیر صورت بندی منطقی بخشید:

منتظر حقیقی، نیک می داند که محبت به امام عصر(عج) شرط لازم است ولی شرط کافی، تبعیت و جلب رضایت آن حضرت است و جلب رضایت ایشان، تحقق خواسته های آن بزرگوار، از جمله رعایت ((تقوای الهی)) است؛ بنابر این به میزان عشق و ارادت خویش به آن عزیز، در جهت رشد و تقوا و خویشتن داری می کوشد. از این روی انسان منتظر، انسانی است متخلق، که صفت تقوا در اوج صفات دیگر وی، جای گرفته است. او هم چنین با درک مسئولیت اجتماعی، نسبت به اصلاح جامعه، درحد توان خود تلاش می کند و هرگز تسلیم یاس و روزمره گی نمی شود. توضیح این مطلب ضروری است که منتظر حقیقی، انحرافات اجتماعی را تحمل نمی کند و بر ضد آن می شورد.

کلام پیامبر اکرم(ص) یارگر همین معناست:

هر کس از شما که کار زشتی را (در جامعه) دید، قطعاً با عمل خود به آن اعتراض کند؛ و اگر قدرت آن را ندارد، با زبان خود به آن اعتراض کند؛ و اگر قدرت آن را ندارد، با قلب خود به آن اعتراض نماید (یعنی نسبت به آن بی اعتنایی کند) و این (کراهت و اعتراض قلبی) پایین ترین درجه ی ایمان است.

خانواده نیز که واحد بنیادین جامعه است، در زمان انتظار، در معرض تحولی اساسی، واقع می شود؛ زیرا فرد فرد خانواده ی منتظر، سعی در ایجاد و بهبود یک نظام متعادل و بالنده می نمایند و روابطشان، بر مبنای درک و شناخت حقوق متقابل فرد و خانواده، تنظیم می شود. بدیهی است در چنین محیطی، عشق، محبت، صمیمیت و تفاهم حاکم است و چنین خانواده هایی، توانایی ایجاد جامعه ای سالم و صالح را خواهند داشت.

### گسترش امیدهای واقعی

امید، محرك انسان برای رویارویی با آینده است. برخی آن را انگیزه، و پاره ای دیگر، آن را نیاز آدمی می دانند. به عقیده ی مزلو، یکی از روان شناسان مکتب کمال؛ ((انگیزه ی آدمی، نیازهایی مشترک و فطری است که در سلسله مراتبی از نیرومندترین تا ضعیف ترین نیاز، قرار می گیرد)).

برای توضیح مطلب می توان گفت که آدمی، پیوسته و در پی انجام هر کاری، به دنبال غایت و مقصودی مشخص بوده و قبل از اقدام به آن نیز، نیازمند انگیزه ای برای آغاز عمل می باشد.

بر این اساس، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواریهای آن، نیازمند انگیزه ای نیرومند است که در پدیده ی ((امید به آینده)) تجلی می یابد؛ آینده ای که به مراتب، عالی تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد؛ این مسئله، به ویژه برای جوانان، دارای اهمیت بیش تری است؛ زیرا آنان در پرتو ((امید به فردایی بهتر)) می توانند به نیروی فراوان خود و شور و نشاط بی پایانشان جهت و معنا بخشند.

البته این مقوله در میان مکاتب دینی و غیر دینی، دارای جایگاه، منزلت و تفسیرهای گوناگونی است؛ به عنوان اشاره، اعتقاد پیروان ادیان به امدادهای غیبی و عنایات عام و خاص الهی، به گونه ای منطقی، متضمن پیامدهایی هم چون امید به آینده و به تعبیری دیگر، فرج بعد از شدت می شود. درحالی که در مکاتب مادی و بینش های سکولاریستی جای برای ((امدادهای غیبی)) وجود ندارد. حتی در میان پیروان ادیان، نیز این مسئله، دارای جلوه های گوناگونی است. از جمله در چند سال پیش، پاپ، رهبر کاتولیک های جهان، در اولین کتابی که از او با عنوان ((عبور از آستانه ی امید)) منتشر گردید، به صراحت، ناامیدی خود را از وضعیت اخلاقی و اعتقادی عصر حاضر به ویژه جوانان، اظهار نمود. در اظهارات پاپ، نشانه هایی از امید به آینده به چشم نمی خورد. حتی در میان برخی اندیشمندان و متفکران غربی نیز بعضا مسئله ی ((امید)) هم چون پدیده ای دور از دست رس و بیهوده تلقی می شود. به عنوان مثال، برتراند راسل در گفتاری با عنوان ((جهان پرتلاطم)) می نویسد: ((من در لحظه ای تاریک (ژوویه ی 1961) به نوشتن مشغولم و نمی دانم نژاد بشر آن قدر دوام می کند که نوشته ی من منتشر یا در صورت انتشار، قرائت شود یا نه)).

در مقابل این رویکردهای یاسآور و منفی به آینده که در بیش تر مکاتب موجود مشاهده می شود، اندیشه ها و رویکردهای امیدوارانه و مثبت گرایی نیز وجود دارند که از مهم ترین آن ها می توان به اعتقاد مذهب شیعه در زمینه ی انتظار امام عصر(عج) اشاره نمود که نه تنها انتظار فرج آن حضرت، پدیده ای معنادار، منطقی و معقول است، بلکه چنین انتظاری، در زمره ی بزرگ ترین فرج ها و گشایش ها، تلقی می شود. برای توضیح مطلب، اشاره می کنیم که امیدها دو گونه اند: امیدهای واهی و امیدهای واقعی. امیدهای واهی، بیش تر شامل نوعی ایدهایال ها، آرمان ها و آرزوهای گم شده ای است که انسان با حاضر کردن آن ها در ذهن و درون خویش، به نوعی آرامش خاطر دست می یابد که در صورت تداوم و تقویت آن ها، خود به خود زمینه ی جدا شدن از مسائل و رویدادهای واقعی زندگی و در نتیجه احساس بیگانگی با واقعیات، برای شخص فراهم می گردد.

در مباحث روان شناسی تربیتی، این نوع مواجهه با مسائل، رفتارهای دفاعی نام دارد. از ویژگی های این گونه رفتارها، این است که در کوتاه مدت، به شخص، آرامش و امنیت می بخشد ولی در دراز مدت، موجب ناسازگاری با اطرافیان و دنیای خارج می شود.

امیدهای واقعی نقطه ی مقابل امیدهای واهی است؛ امیدهایی که دارای پایه و اساسی منطقی و استوارند و ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و ارزش های مبتنی بر وحی الهی دارند؛ مانند امید به ظهور حضرت مهدی(عج) و شرایطی که آن حضرت با حکومت خویش فراهم می آورند که در این جا به دو نمونه از این شرایط اشاره می کنیم:

امام حسن مجتبی(ع) از پدر بزرگوارشان نقل می فرمایند:

در دولت مهدی(عج)، درندگان، سازش می کنند؛ زمین، نباتات خود را خارج می کند؛ آسمان، برکاتش را فرو می فرستد؛ گنج های نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود و بین مشرق و مغرب را مالک می شود و خوشا به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود.

از امام باقر(ع) نیز روایت شده است که فرمودند:

هنگامی که قائم ما(عج) قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و خردهای آن ها را گردآورد و رشدهای آن ها را کامل گرداند.

از این دو عبارت چنین برداشت می شود که انتظار امام عصر(عج)، موجب گسترش و توسعه ی امیدهای واقعی در شیعیان و پیروان آن حضرت می شود؛ امیدهایی که منتظرانش، هرگز در حقیقت و اصالت آن ها، تردیدی به خود راه نمی دهند؛ زیرا چنین امیدهایی از متن باورهای دین، رویش کرده و برخاسته از اعتقاد اصیل و استوار شیعه است.

حال چنان چه از بعد روان شناختی به مسئله بنگریم، نقش امید را در سلامت روانی، تعیین کننده و محوری خواهیم یافت. دوآن شولتسمی نویسد:

سلامت روانی، پیش نگر است، نه پس نگر. دورنما، چیزی است که شخص امیدوار است بشود نه آن چه پیش تر روی داده است و دگرگونی پذیر نیست.

او می افزاید:

من، نگاهی را که به آینده می نگرد و بر هدف ها، آمال و رویاهای درازمدت تمرکز می یابد، خوشایند می یابم. البته پیش بینی و برنامه ریزی و تلاش برای آینده، از ماندن در رویدادهای گذشته، سالم تر به نظر می رسد.

کانت، طرح مسئله ی امید را از ویژگی های هوش مندی آدمی تلقی می کند و می نویسد:  
برای هر کس که متنبه و هوشیار باشد و در کار دنیا و حال خود بنگرد، سه سوال پیش مآید:  
یکی: چه می توانم بدانم؟  
دوم این که: چه باید بکنم؟

سوم این که: چه امید و انتظاری می توانم داشته باشم؟

آپورت، یکی از صاحب نظران علم شخصیت معتقد است:

[ اشخاص برخوردار از سلامت روان ] فعالانه در پی هدف ها و امیدها و رویاهای خویشند، و رهنمون زندگی شان، معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ گاه پایان نمی پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت، باید بی درنگ انگیزه ی نوینی آفرید. افراد سالم به آینده می اندیشند و در آینده زندگی می کنند.

روی کرد ((آینده گرا)) با ویژگی ((سلامت روان)) از نسبت معقول و منطقی برخوردار است.

چنین نسبتی را در بیان ویکتور فرانکل به روشنی می یابیم:

شخصیت های سالم، ویژگی های دیگری هم دارند؛ به آینده می نگرند و به هدف ها و وظایف آتی توجه می کنند. در واقع به چنین هدف هایی نیاز دارند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می تواند زندگی کند.

او در ادامه ی نظریاتش می افزاید:

بدون اعتقاد به آینده، ((محمل معنوی)) زندگی از میان می رود و روح و جسم به سرعت محکوم به فنا می گردد. باید برای ادامه ی زندگی دلیلی داشت؛ در راه هدفی آتی کوشید، وگرنه زندگی معنای خود را از دست می دهد.

به نظر ((فرانکل))، اعتقاد به آینده، هم عامل معنا داشتن زندگی و هم عامل تداوم و استمرار آن است. چنین تعبیری، يك نقطه ی اوج در میان نظریات روان شناسان در این زمینه است.

انتظار در مکتب شیعه، علاوه بر این که، نوعی امید به آینده است، چشم به راه يك رویداد بزرگ و تحول عمیق، بودن است؛ چرا که طی شدن فاصله ی میان غیبت و ظهور يك پدیده ی عادی نیست؛ بلکه حادثه ای به وسعت همه ی تاریخ بشر است. برای تجسم عظمت آن، اشاره به این نکته کافی است که امام مهدی(عج)، تبلور همه ی آرمان ها و آرزوهای محقق نشده ی انسان در طول قرون و اعصار گذشته تاکنون است.

بر این اساس، فردای ظهور، فردایی است روشن تر و بهتر از امروز؛ زیرا همه ی اختلافات و خصومت ها که ناشی از محدودیت اندیشه و نارسایی عقل بشر است، از میان برمی خیزد و در پرتو شکوفایی خرد، جای خود را به عطوفت، رحمت و مناسبات صمیمانه می بخشد.

با تکیه بر این مبانی، دیگر افسردگی در میان پیروان مکتب انتظار جایی ندارد. در غیر این صورت است که آدمی، دلیلی برای بهتر بودن فردا ندارد؛ بنابر این بیش تر در معرض افسردگی و ناامیدی قرار می گیرد. اهمیت این مطلب، زمانی روشن تر می شود که بدانیم افسردگی، به عنوان بیماری قرن، شایع ترین و دشوارترین اختلالی است که انسان معاصر با آن مواجه بوده و به شدت از عوارض آن رنج برده است؛ چرا که رشته های امید خود را بریده و گسیخته می بیند.

### مراقبت دایمی

یکی از پیامدهای طبیعی و منطقی انتظار، احساس حضور است. منتظر واقعی، با اعتقاد به این که اعمالش، پیوسته در منظر آن عزیز واقع می شود، نسبت میان خود و آن حضرت را در احساس حضور، متجلی می بیند و هر جا که باشد، گویی خود را در خیمه ی آن حضرت و گوش به فرمان ایشان، احساس می کند و لازمه ی انتظار حقیقی را، تلاش برای جلب رضایت ایشان می داند؛ بنابر این برای تحقق این مهم، نه تنها، عمل به واجبات و ترک محرّمات را وجهه ی همت خویش قرار می دهد، بلکه از هر غفلتی نیز پرهیز می کند؛ همان گونه که استغفار خواص، استغفار از گناه نبوده و نیست بلکه آنان هر غفلتی از یاد خدا و انس با محبوب را برای خود گناهی بزرگ می شمردند و از آن استغفار می کردند.

منتظر، به یاری معرفت خویش، امام(ع) را در غیبت، هم چون خورشید پشت ابر دانسته، و او را ناظر بر حالات و نیات خود می داند و چیزی را از دیدگان آن حضرت مخفی نمی پندارد. و در چنین موقعیتی است که احساس حضور معنا پیدا می کند.

برای استناد به کلام معصومین(علیهم السلام) به ذکر دو نمونه بسنده می کنیم:

امام علی(ع) در پاسخ به پرسش یکی از مومنین درباره ی حدود آگاهی و میزان اشراف امام، فرمودند:

هیچ مومنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست.

و امام عصر(عج) در بخشی از توقیع مبارکشان به شیخ مفید؛ فرمودند:

ما بر آن چه بر شما می گذرد، احاطه ی علمی داریم و هیچ يك از خبرهای شما از ما پوشیده نیست ... ما نسبت به رعایت حال شما اهمال نمی کنیم و یاد کردن شما را فراموش نمی کنیم.

او همان بزرگواری است که در زیارت روز جمعه اش می خوانیم: ((السلام علیک یا عین الله فی خلقه؛ سلام بر تو ای چشم خدا در میان آفریدگانش.))

بنابراین با تکیه بر این مبانی، می توان نتیجه گرفت که آن حضرت بر اوضاع و احوال بندگان خدا آگاه است.

حال باید دید که احساس حضور از جهات تربیتی چه اثراتی دارد؟

یقین داشتن به این مطلب که هیچ يك از اعمال ظاهری و نیات باطنی ما از چشمان با نفوذ آن حضرت مخفی نمی ماند، در مرحله ی اول، منجر به مراقبت دایمی اخلاقی خواهد شد؛ زیرا میان ((انتظار)) و ((عمل مورد پذیرش منتظر))، تلازم منطقی

وجود دارد و در غیر این صورت ((انتظار)) امری بی معنا خواهد بود.

منتظر، پیوسته مراقب مجموعه ی گفتارها و رفتارهایش خواهد بود تا موردی بر خلاف رضای محبوبش، از او صادر نشود. و این مسئله در حقیقت، به پالایش درونی و صفای باطنی خواهد انجامید؛ به گونه ای که در پرتو چنین مراقبه ای، قابلیت ارتقا می یابد و این امر، خود به خود به تحقق يك هدف تربیت اخلاقی منجر می شود. این هدف، ناظر به این است که عامل نظارت و کنترل فرد، باید قبل از هر چیز، جنبه ی درونی داشته باشد، نه جنبه ی بیرونی. و این وضعیت درونی که همیشه پایدار و مستمر است، رفتار فرد را در جهت اهداف معینی، جهت می بخشد. در حقیقت باید بگوییم، انضباط اخلاقی و خویشتن داری، چنان چه متکی بر عوامل و پایه های درونی باشد، از استمرار، دوام، عمق و اخلاص ویژه ای برخوردار خواهد بود و در صورتی که بر پایه ها و عوامل بیرونی، استوار باشد، از برخی آفات عمل هم چون تظاهر، ریا و گسیختگی و انقطاع عمل، مصون نخواهد ماند. از این روی در صورتی که بتوانیم وابستگی فرد را به عوامل خارجی کاهش داده، یا آن را قطع کنیم و آن را فقط وابسته به ارزش عمل، رضای حق و تأیید امام عصر(عج) بدانیم، يك هدف مهم در تربیت اخلاقی، تحقق یافته است. و ثمره ی آن، منتظرانی هستند که در نیت و عمل، خالص بوده، هرگز لحظه ای از وارسی اعمال خویش غفلت نمی کنند.

در خبر آمده است ((از بزرگی پرسیدند: نفیس ترین چیزی که به آسمان بالا رود چیست؟ گفت: اخلاص، پرسیدند: نفیس ترین چیزی که از آسمان به زمین فرود می آید چیست؟ گفت: توفیق.))

انسان های تربیت شده و الهی، می دانند که شرط جوان مردی آن است که بدانند وقتی بر سر سفره ی روزی و نعمت الهی می نشینند، روزبخوار نعمت هایی هستند که خداوند برای آنان به یمن وجود مبارك امام عصر(عج) مقدر فرموده است؛ زیرا معتقدند:

و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء؛

و به برکت (وجود) او به خلق روزی می رسد و به ذات وجودش زمین و آسمان بر جای خود می باشند.

بنابر این چنین افرادی، هرگز به فکرشان خطور نمی کند که عملی برخلاف رضای آن حضرت که رضای خداست انجام دهند و دایم در حال مراقبه، مشارطه و محاسبه ی نفس خویش اند و دارای همان شخصیتی هستند که مورد قبول آن بزرگوار است. و اگر مقام و مرتبه ی منتظر از این مراتب نیز فراتر رفت و به منزلت اولیای خدا رسید، در آن مرحله، حتی از اندیشه و فکر گناه نیز پرهیز می کند که نیک می داند: استمرار و تداوم اندیشه ی گناه، مقدمه ی عمل گناه است.

برگرفته از : شبکه جهانی اطلاع رسانی امام مهدی (عج)